

مطلب یکصد و شصت و ششم _ عرفان ناقص

قوله تعالی : " عجب است که بعضی خود را در هوای عرفان طائر میدانند هنوز بظاهر کلمات الهیه فائز نشده‌اند بلکه بوی آنرا استشمام نکرده‌اند مثلاً در اول ورود رضوان میفرمایند قوله جل و عز انا تجلینا بکل الاسماء علی کل الاشیاء مقصود از این کلمه مبارکه آنکه کل اشیاء الیوم بتجلی مولی الاسماء فائز شدند امثال این بیان و فوق آن در زیر و صحف و کتب الهی نازل و معانی و مقصود از آن بلسان پارسی و عربی در الواح عدیده از قلم امر بیان شده طوبی لمن عرف مراد الله و تمسک به منقطعاً عن کل ناعق لا یشعر بالقول و ناهق لا یفقه ما قال بعد از خرق حجابات و سبحات و کسر اصنام اوهام تازه بکلمات عتیقه ناطق شده‌اند ... وقتی با سم صید توجه ببعضی اراضی نمودیم تا بمحلی رسیدیم ملاحظه شد درویشی غذائی ترتیب میداد از او پرسیدیم چه میکنی مذکور داشت خدا میپزم هم با خدا میپزم از برای خدا میپزم مشاهده شد آن مسکین چقدر از شریعه عرفان رب العالمین دور است و بعد توقف نمودیم و با کمال شفقت و نصیحت با او تکلم نمودیم تا آنکه اشعه آفتاب حقیقت از افق قلبش ظاهر و مشرق شد بمعدرت قیام نمود و او یک رفیقی داشت برهنه ما بین ناس مثنی مینمود و بهمان کلمات ناطق بود و هر دو بانوار فجر معانی فائز شدند بقسمی که یوم بعد با پای برهنه در رکاب میدویدند مع آنکه آن ارض خارستان زیاد بود و آنچه گفته شد سوار شوند قبول نمودند "